

احوال و آثار عبدالکریم خاکی (شاعر فارسی سرای بنگالی زبان)

ک. ام. سیف الاسلام خان*

زندگی نامه

نام اصلی شاعر عبدالکریم و تخلص او خاکی است. نام پدرش منشی عبدالعظیم بود که به «گرانی میا» معروف شد. منشی عبدالعظیم دو پسر داشت به نام های مولوی عبدالکریم و منشی عبدالنعیم. پدرش عبدالعظیم از خانواده های شریف آن زمان بود و در دادگاه جنایی داکا به عنوان منشی (clerk)^۱ کار می کرد. مؤلف تواریخ داکا آقای رحمان علی طپش می گوید: ایشان از لباسهای زیبا استفاده می کرد^۲.

تولد خاکی

درباره تولد خاکی نویسندگان تاریخ ادبیات فارسی در بنگال اشاره ای ندارند از آنهایی که درباره زندگی نامه خاکی قلم به دست گرفتند از جمله از دکتر محمد عبدالله باید یاد کنیم که مفصلتر از دیگران نوشته است، اما ایشان هم به این مورد اشاره ای نکرده است.

* استادیار بخش فارسی و اردوی دانشگاه داکا - بنگلادش.

^۱ رحمان علی، تواریخ داکا، ص ۲۱۱.

^۲ همان، ص ۲۱۱.

تنها به ذکر وفات وی اکتفا نموده است. حکیم حبیب الرحمن درباره تولد خاکی در کتاب *ثلاثة غسله* می‌نویسد «خاکی در یکی از خانواده های باسواد تولد یافت»^۱. از نسخه‌های خطی دیوان روشن می‌شود که شاعر دیوان خود را در سال ۱۲۸۶ ق^۲ مطابق با ۱۸۶۹ م به رشته تحریر درآورده است. زمان سرودن شاعر چهل ساله بوده است.

عمر چهل ساله شد ریش سپیدم شده

ذوق جوانی ولی هست بسامان هنوز^۳

پس اگر ما از سال تألیف دیوان (۱۸۶۹ م) چهل سال حذف کنیم می‌توان حدس زد که خاکی در یکی از ماههای سال ۱۸۲۹ م به دنیا آمده است. درباره جای تولد خاکی اتفاق نظر وجود دارد خود شاعر درباره تولدش می‌سراید.

الاجی پورشیراز است اگر گویم به جا باشد

که چون شد مولد خاکی جوان اهل تمکین^۴

دکتر محمد عبدالله و دکتر کلیم سهرامی مکان تولد خاکی را الاجی پور (elachipur) از مضافات داکا ذکر نموده‌اند. الاجی در غرب شهر داکا واقع شده است پیش از آن این منطقه جزء داکا محسوب می‌شد اما اکنون در ناحیه مانیک گنج (manikgang) قرار دارد. چون رودخانه جمنا (jamuna) خساراتی به این محل وارد کرده است الاجی پور در حال حاضر به نابودی کشیده است مانیک گنج در هشتمین دهه قرن بیستم میلادی با تصویب دولت از داکا جدا شد. الاجی پور قبلی پنجاه کیلومتر با شهر داکا فاصله دارد «دکتر سهرامی در سال ۱۳۵۷ ش مطابق با ۱۹۷۸ در مقاله ای در مجله ارمنان تحت عنوان «عبدالکریم خاکی و آثارش» الاجی پور را در ناحیه رنگپور (منطقه شمالی بنگلادش)

^۱ حبیب الرحمن، *ثلاثة غسله*، ص ۳۵۸.

^۲ عبدالکریم، *دیوان خاکی*، ۳۵-۴۳۴.

^۳ همان، ص ۱۷۳.

^۴ همان، *غزل* ۱۵، ص ۱۶.

ذکر کرده اند.^۱ ولی در سال ۱۹۹۹ م در کتاب «خدمت گزاران فارسی در بنگلادش» خود الاجی پور را از مضافات داکا ذکر نموده است.^۲

شاید اطلاع اولیه را با توجه به مکان اشتغال شاعر به دست آورده اند. خاکی در دیوان خویش سه بار نام الاجی پور^۳ را یاد کرده است و در غزل خود این محل را با شیراز حافظ مقایسه کرده است.

الاجی پور را شیراز کردی از سخن گویی

که هرکس برسختن های تو خاکی آفرین گوید^۴

درباره ازدواج و خانواده وی اطلاعی در دست نیست. ولی در کتاب ادبیات فارسی در بنگلادش آمده که خاکی بی فرزند بوده است.^۵

کسب دانش و اشتغال

درباره تحصیلات خاکی اطلاعات دقیقی در دست نداریم. حکیم حبیب الرحمن در ثلاثه غساله می نویسد که «خاکی در اوایل زندگی خود به درس و مطالعات علاقه خاصی داشت».^۶

وی به زبانهای عربی فارسی وارد و متبحر بزرگ زمان بود، و در اواخر عمر خود بعد از برگشتن از زیارت کعبه کلیه قرآن را حفظ کرده بود.^۷

منشی رحمان علی طپش در کتاب تواریخ داکا می نویسد که «خاکی بعد از زیارت کعبه به حفظ قرآن و عبادت خداوند متعال پرداخت».^۸

^۱ کلیم سهرامی، مجله ارمغان شماره ۳، خرداد ۱۳۵۷ شمسی.

^۲ کلیم سهرامی خدمت گزاران فارسی در بنگلادش، ص ۱۵۱.

^۳ عبدالکریم، دیوان خاکی، ص ۱۵، ۱۵۶ و ۱۹۴.

^۴ همان، ص ۱۵۶.

^۵ عبدالله، ادبیات فارسی در بنگلادش، ص ۱۹۰.

^۶ حبیب الرحمن، ثلاثه غساله، ص ۲۵۸.

^۷ عبدالله، ادبیات فارسی بنگلادش، ص ۱۹۰.

از مطالعه آثار وی معلوم می شود که او عالمی بزرگ و محقق در دین مبین اسلام بوده است. خاکی نخست در دادگاه جنایی میمنسینگ^۲ (maymansing) با عنوان «مولوی» آغاز به کار کرد. پس از تعطیل شدن آن، به مقام های دیگری هم چون معاونت رئیس دادگاه بخش و معاونت تحصیلدارنایل شد^۳. و در همین سمت در شهرستانهای رنگ پور، فریدپور^۴ و مالد^۵ مأموریت خود را انجام داد. خاکی به واسطه خدمات جلیله ای که انجام داده از طرف دولت انگلیس لقب «خان بهادر» یافت. او به سه زبان عربی فارسی و اردو آثار خود را تألیف کرد. و جالب اینکه در طول مدت مسؤلیت دولتی رنج تألیف را بر خود هموار کرد. وی مذهب حنفی داشت و به طور فطری شاعر بود.

زین همه نغمه های خوش درصاف ناظم سخن
طوسی هند شد لقب خاکی خوشنوی را^۶

آثار خاکی

او مانند بسیاری از شاعران دوره مغول ایلخانی و صفوی در ایران، همواره سرودن نظم و نگاشتن نثر همت ورزید. مطالعه نظم و نثر خاکی به زبان فارسی، به نظر می رسد که وی تحت تأثیر شعرای ایران زمین از جمله خاقانی، سعدی، مولوی، حافظ، عرفی، صایب و جامی قرار گرفته است. او از نغمه سرای خود می گوید:

از این نغمه سرایی خاکی امروز
شداز شیراز سعدی هم صفیرم^۷

^۱ رحمان علی، تواریخ داکا، ص ۲۱۱.

^۲ منطقه ای است که در صد کیلومتری شمالی داکا قرار دارد.

^۳ رحمان علی، تواریخ داکا، ص ۲۱۱.

^۴ منطقه ای است که در صد کیلومتری جنوب غرب داکا قرار دارد.

^۵ منطقه ای است در کلکته هند.

^۶ عبدالکریم، دیوان خاکی، غزل ۳۵، ص ۳۰.

^۷ عبدالکریم، دیوان خاکی، غزل ۳۴۴، ص ۲۴۴.

از منابع و مأخذ معلوم می‌شود که عبدالکریم خاکی مؤلف ده کتاب منظوم و مثنوی بوده است. شش کتاب به زبان فارسی، یک کتاب به زبان عربی و سه کتاب به زبان اردو تألیف نموده است. تألیفات فارسی خاکی رابه‌دو دسته می‌توان تقسیم کرد: دسته اول آثار منظوم و دسته دوم آثار مثنوی فارسی. اکنون آثارگران بهای خاکی را طور مختصر بررسی می‌کنیم.

آثار منظوم خاکی

دیوان خاکی

دیوان شعر خاکی یکی از بهترین آثار اوست. این دیوان دارای ۴۳۶ صفحه است و به خط نستعلیق در تاریخ ۱۹۶۹ میلادی به دست ابوالمنصور متخلص به تحسین کتابت شده است. از خاتمه قطعات دیوان معلوم می‌شود که عبدالکریم خاکی این دیوان را در سال ۱۲۸۶ هجری مطابق با ۱۸۶۵ میلادی به رشته تحریر درآورده است. نسخه خطی مورد بحث که فعلاً در اختیار کتابخانه مرکزی دانشگاه داکا و فتوکپی آن که در اختیار بنده هست، متعلق به کتابخانه مرحوم امین الرحمن یکی از اهالی جلیپایی گوری (jalpaigoori) استان آسام فعلی درهند متصل به بنگلادش است و تاکنون به چاپ نرسیده است. دیوان خاکی مشتمل بر غزلیات و قصاید و رباعیات و قطعات و مثنوی و مخمس و مسدس و مسجع است.

غزل: از صفحه اول دیوان تا سیصد و نود و نه و نیم، ۵۷۱ غزل قرار دارد. غزل اول خاکی به قالب و وزن غزل حافظ بدین شکل شروع شده است:

الایا ایها الصّاحی مشو همدرد بسملها

که هست این مشهد عالم سراستان و ابلها^۱

و درمقطع غزل در بحر هزج مثنی‌م سالم می‌سراید:

همانا ساده رویان جهان خاکی دل آشوبند

فقط دردی شود حاصل ازین پیوند بگسلها

غزلهای خاکی به ترتیب الفبایی تنظیم شده است .

الف	درباب	غزل	صد
باء	“	“	پنج
تاء	“	“	بیست و یک
ثاء	“	“	یک
جیم	“	“	یک
حاء	“	“	یک
خاء	“	“	یک
دال	“	“	نود
ذال	“	“	یک
راء	“	“	پانزده
زاء	“	“	دوازده
سین	“	“	پنج
شین	“	“	دوازده
صاد	“	“	یک
ضاد	“	“	یک
طاء	“	“	یک
ظاء	“	“	یک
عین	“	“	دو
غین	“	“	یک
فاء	“	“	دو

قاف	“	“	چهار
کاف	“	“	پنج
لام	“	“	یازده
میم	“	“	نودوهشت
نون	“	“	پنجاه
واو	“	“	پانزده
هاء	“	“	بیست وهفت
یاء	“	“	هشتادوشش

غزل‌های خاکی از پنج تا سیزده بیت است ولی غزل‌های ده تا یازده بیتی بیشتر به چشم می‌خورد. غزل‌های خاکی از لحاظ زبان و محتوی و موضوع از رنگ‌های گوناگون برخوردار است. مناسب می‌دانیم که در این مورد از خود خاکی اشعاری را بیاوریم:

بررخ اشعار خاکی آب و تاب دیگر است

این غزل بخشد روانی مردگان طوس را

غزل - ۶۵، ص ۵۲

درغزل خوانی پس از صایب به طرز پارسی

خاکی شیرین بیان امروز گویا دیگری

غزل - ۶۱، ص ۴۹

ما غزل‌های دری بهتر زعرفی گفته ایم

آفرین خوانند خاکی جمله بر مضمون ما

غزل - ۳۱، ص ۲۷

سخن سنجان معنی رس چنین گویند با منت

که خاکی در غزل خوانی عجب طبع رسا دارد

غزل - ۱۳۶، ص ۱۰۱

زین همه نغمه های خوش درصاف ناظم سخن

طوطی هند شد لقب خاکی خوشنوی را

غزل- ۳۵، ص ۳۰

زبان شعر او سلیس و فصیح است و سبک او به سبک هندی و خراسانی نزدیک است. از لحاظ موضوع معلوم می شود که در بسیاری از غزلهای وی نعت و ستایش پیامبر (ص) گرامی سروده شده است و در یکی از قطعات عبدالنعیم که برادر خاکی است می گوید:

«مولوی عبدالکریم آن شاعر شیرین کلام چون مرتب کرد دیوان راز نعت مصطفی»^۱ و از این لحاظ به نظر می رسد که خاکی مانند شاعر نعت گوی فارسی عبدالرحمن جامی به رسول اکرم (ص) عشق و محبت ویژه ای می ورزید:

گرفته جای در کوی محمد	دلی آشفته بوی محمد
همین محراب ابروی محمد	مقام سجدهگاه عاشقان است
بیان محکم روی محمد	همین والشمس و یس و مزمل
بده بوسه به زانوی محمد	مودب شود بیا خاکی در اینجا

غزل ۱۳۲، ص ۹۸-۹۹

قصیده خاکی

خاکی از صفحه چهارصد دیوان تا چهارصد هفده، چهار قصیده و در آخر دیوان یک قصیده به تقلید خاقانی^۲ (وفات: ۵۸۲ یا ۵۹۵ هـ ق) هم سروده است. قبل از شروع قصیده عنوانی بنام «قصیده مختصر قصص الانبیاء» گذاشته است و قصیده اول را به وزن مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن سروده است. قصیده اول دارای صد و چهل و چهار بیت است که از ستایش حضرت آدم تا حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم را دربرمی گیرد و قصیده دوم، سوم، چهارم رادر نعت پیامبر گرامی سروده است.

^۱ عبدالکریم، دیوان خاکی، ص ۴۳۴.

^۲ خاقانی شروانی، دیوان خاقانی، به تصحیح علی عبدالرسولی، ۲۱۴.

رونق عالم ز جسم ماه تابان شما صبح رانوری زعکس روی رخشان شما^۱
مخمس: خاکی مخمسی سروده نه بندی که قبل از آغاز مخمس عنوانی گذاشته بنام
«مخمس بر غزل امام زین العابدین» .

مسلسل: دردیوان خاکی به عنوان «مسلسل برغزل جامی» (رح) مسلسلی هفت بندی
سروده شده است .

مسبّع: مسبّع هم به عنوان «مسبّع برغزل جامی شروع شده است . این مسبّع دارای شش
بند است .

مثنوی: خاکی چهل و چهار بیت مثنوی بروزن فعولن فعولن فعولن سروده است
که شامل نعت پیامبر اکرم (ص) است دراین مثنویها از اندام زیبای رسول اکرم(ص)
ستایش کرده است :

دو طرف رخس آن دو زلف دراز رسرقدم بین عیان کرد راز
لب نازکش نازک از برگ گل بحق تنگ شد از جزء وکل
ص-۴۱۴، بیت -۱۲ و ۱۳

رباعی ، قطعه ، دوبیتی و تک بیتی :

پنج رباعی، ده دو بیتی، دو دوبیتی، دوتک بیت و یک قطعه در دیوان خاکی وجود دارد
که از آنها یک رباعی منقوط و یک رباعی غیر منقوط هم به چشم می خورد. به نظر می رسد
که موضوع دوبیتها متنوع است. در یکی از دوبیتها درمورد زنان چنین سروده است:

دام شیطان شده زروز نخست بهر مرد این زنان چابک و چست
هرکه آزاد از زنان گردید زین سیه دام بی تکلف رُست؟^۲

ودردیگر دو بیت درباره مرد می سراید :

^۱ این قصیده به وزن وقافیه غزل حافظ است : این فروغ ماه حسن از روی رخشان شما آب روی خوبی از چاه
رنخدان شما .

^۲ عبدالکریم ، دیوان خاکی ، ص ۴۲۷ .

مرد را مردی اگر نبود
او بجز گاو و خردگر نبود
مرد آن است در حقیقت کار
طالب زن وسیم و زرنبود^۱

قطعات و رباعیات درباره تاریخ دیوان :

رباعیات و قطعاتی که در اواخر صفحات دیوان وجود دارد به تاریخ تألیف دیوان اختصاص داده شده است و همه این شعرها از طرف یکی از دوستان خاکی به نام احمد حسین ، نسخه برداردیوان و شاگرد شاعر ابوالمنصور متخلص به تحسین واز طرف برادر شاعر عبدالنعیم تنظیم شده است .

چودیوان خاکی مرتب شد
بتقدیر تاریخ و اشد دهن ها
دو تاریخ در مصرعه گفت هوش
بنظم دری نیک و شیرین سخنها^۲

احمد حسین ۱۲۸۶ هـ ق

سحرهاتف بمن گفت از سرفیض
بحق رنگین شد این دیوان رنگین^۳

ابوالمنصور ۱۲۸۶ هـ ق

کرد دیوان چواخ من ارشاد
تا غزل سربپای شعرنهاد
دل دیوان سر فصاحت برد
کنه تاریخ شد سن ایجاده^۴

۱۲۸۶ هـ ق عبدالنعیم

مصباح الجنان

یکی از کتابهای انتشار نیافته خاکی مصباح الجنان است اشعار این کتاب به صورت رباعی سروده شده و ترجمه ای است از کتاب «قصیده بدالآمالی» از سراج الدین بن عصامه (۱۱۷۳ م / ۵۶۹ هـ) اسم اصلی این کتاب «القصیده اللامعه فی التوحید» است .

^۱ همان ، ص ۴۳۰.

^۲ عبدالکریم ، دیوان خاکی ، ص ۴۳۲.

^۳ همان ، ص ۴۳۴.

^۴ همان ، ص ۴۳۵.

این دیوان را قصیده لامعه هم گفته اند. بسیاری از توضیحات این دیوان به زبانهای عربی و فارسی نوشته شده است.

خاکی این کتاب را از عربی به فارسی به قالب رباعی برگرداند و به نام مصباح الجنان نام نهاد. در این کتاب بعد از نعت پیامبر (ص) و حمد باری تعالی با مضامینی از قرآن و حدیث و بهشت و دوزخ سروده شد. کتاب دارای سی و چهار صفحه است که همراه با رباعیات فارسی و متن عربی اصلی فراهم شده است. در آغاز کتاب از حروف ابجدی معلوم می شود که خاکی آن را در سال ۱۲۷۷ هجری مطابق با ۱۸۵۶ میلادی نگاشته بود. یکی از نسخه های این کتاب در کتابخانه مرکزی دانشگاه داکا محفوظ گردیده است.

نمونه ای از کتاب مصباح الجنان :

متن اصلی :

وما القرآن مخلوقٌ تعالیٰ + کلامُ الرَّبِّ عن جنس المقال

توضیح به فارسی :

همه گان علم را قرآن حاوی بهر حرفش هزاران علم پنهان^۱

آثار مثنوی خاکی

تنویر القلوب

از آغاز این کتاب معلوم می شود، خاکی نایب حاکم و معاون تحصیلدار بود در شهرستان رنگپور. و در همان زمان این کتاب نثر فارسی را تألیف نمود. این کتاب دارای سیصد و سه صفحه است که به عقاید و مسایل فقهی توجه دارد^۲. نویسنده در وسط بیانات خود اشعاری از خود یا از دیگر شعرای فارسی زبان آورده است و آیات قرآن و احادیث نبوی هم در این کتاب خوانندگان را به خود جلب می کند: نمونه ای از این کتاب:

^۱ عبدالکریم، مصباح الجنان، ص ۲.

^۲ حبیب الرحمن، ثلاثه غساله، ص ۱۳۶.

«چه گفتن لازم خواهد آمد که آن معمل مکروه است با کراه سلطنت قاهره . نه آنکه از محبت عبدیت و عظمت خداوندی به تعمل آن کوشیده که موجب اکرام وانعام سلطانی شدن تواند. پس اگر بنده به تعظیم شعائرالله به تعمیل آن کوشیده ، لاکلام مستحق انعام ومورد اکرام از حضرت صمدیت خواهد گشت»^۱.

این کتاب در سال ۱۲۸۷ هجری مطابق ۱۸۶۷ میلادی نوشته شده است و در سال ۱۲۹۴ هجری مطابق ۱۸۷۷ میلادی از چاپخانه مظاهرالعجائب کلکته انتشار یافت .

رموز الاخلاق

نویسنده در مقدمه این کتاب می‌نویسد که بعد از مطالعات کتابهای اخلاق جلالی (قرن نهم ق) و اخلاق محسنی (قرن هفتم هـ ق) احساس کرده‌ام که آن کتابها فلسفه یونان را بر مبنی اخلاق ومنطق روشن ساخته است . اگر ما این کتابها را به نوجوانان تلقین بدهیم آنها به خطر انداخته خواهند شد. نوجوانان از راه هدایت دور خواهند شد^۲ ایشان مستقیم بر مبنای قرآن و حدیث اکتفا نمود و بر این اساس کتاب اخلاقی به رشته تحریر در آورد و رموز الاخلاق نام نهاد . این کتاب مشتمل بر سه باب و یک خاتمه از وصایای امام ابو حنیفه (ح) به پایان رسیده است . باب اول درباره تہذیب اخلاق با ب دوم درباره تدبیر منزل و باب سوم درباره سیاست مُدُن است . در جاهای مختلف کتاب اشعاری از خود یا از دیگر شاعران فارسی زبان به مناسبت موضوع نقل کرده است .

همچنین وی آیات قرآن واحادیث نبوی (ص) را تناسب موضوع کتاب نقل کرده است.

«یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده»

سعدی فرماید :

^۱ عبدالکریم ، تنویر القلوب ، ص ۷۰ .

^۲ عبدالکریم ، مقدمه رموز الاخلاق ، ص ۱۱ و ۱۲ .

زخاک آفریدت خداوند پاک

پس ای بنده افتادگی کن چو خاک

بلندی بدان یافت که پست شد

درنیستی کوفت تا هست شد^۱

رموزالاخلاق دارای هشتاد و هفت صفحه می باشد که در سال ۱۸۸۸م / ۱۳۰۶ هـ ق در چاپخانه رحمانیه کلکته منتشر گردید.

فواید خاکیه

زمانی که خاکی با عنوان «مولوی» در دادگاه جنایی میمنسینگ مأموریت داشت در همان زمان (۱۸۵۵م / ۱۲۷۲هـ) این کتاب را تألیف نمود. نسخه ای از این کتاب در کتابخانه مرکزی دانشگاه داکا وجود دارد. بخش اول این کتاب به خط نستعلیق و بخش دیگر به خط شکسته به دست مسعود الدین الاجی پوری نسخه برداری شده است. به فارسی ساده و روان این کتاب یکی از نمونه های نثر فارسی آن زمان است. این کتاب دارای بیست و نه صفحه است که در آن درباره علم فرایض بحث شده است.

فواید الکلام

از آثار مشهور چاپی خاکی یکی «فواید الکلام» درباره آرایه های ادبی است. موضوعات علم البیان در این کتاب به خوبی ارائه شده است. غیر از این از شعرهای مردّف و مقفی او براحتی می توان حدس زد که وی درباره علم العروض مهارت خاص داشته است. این کتاب دارای صد نوزده صفحه است که در سال ۱۸۸۵ میلادی نگاشته شده است^۲ و در سال ۱۸۸۷ میلادی در چاپخانه اردوگاید کلکته به چاپ رسید. نسخه ای از این کتاب در کتابخانه مرکزی دانشگاه داکا موجود است.

^۱ عبدالکریم، رموز الاخلاق، ص ۳۲.

^۲ عبدالکریم، مقدمه فواید الکلام.

آثار عربی واردوی خاکی

جامع الرموز

خاکی کتابی در زبان عربی نوشته با عنوان جامع الرموز این کتاب تفسیری است از کتاب وقایه الروایه که از سوی یکی از فقهای بزرگ حنفی مذهب به نام عبیدالله صدرالشریعه تألیف یافت. وی شرح این کتاب را به طور خلاصه در آورد و جامع الرموز نام گذاری کرد. جامع الرموز دارای ششصد و یازده صفحه است که موضوعات فقهی حنفی را به طرح زیبایی عرضه کرده است. این کتاب در سال ۱۸۷۴ میلادی در چاپخانه نوول کیشور (Nawvel kishor) لکناؤبه طبع رسیده است.

تزکیه القلوب: این کتاب ترجمه تنویر القلوب اثری از خود خاکی است. زمانی که وی بعنوان کارمند انگلیس در «مالده» کلکته مأموریت داشت از تقاضای دوستان خویش به رشته تحریر درآورد.^۱ این کتاب در سال ۱۸۷۷ میلادی در چاپخانه کانپور نظامی لکناؤ به طبع رسید. نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه مرکزی دانشگاه داکا محفوظ گرده است. از ترجمه اردوی این کتاب معلوم می‌شود که خاکی در زبان و ادبیات اردو تبحر داشته است.

مواهب المرام فی تفسیر الاحکام معروف به تفسیر فتح الکریم :

این کتاب به عنوان تفسیر قرآن توسط ملا احمد جونپوری (متوفی: ۱۱۳۰ هـ) به زبان عربی نگاشته شده بود. خصوصیات ویژه این تفسیر توضیح و تشریح آیات احکام است. نویسنده آن دسته از آیات قرآنی را که از آنها حکم استنباط شده تفسیر کرده است. حکیم حبیب الرحمن می‌نویسد « برای تعلیم احکام قرآن الکریم این یکی از بهترین تفاسیر قرآن است و افسوس که به این تفسیر تا به حال توجه نشده است.^۲

^۱ عبدالله، ادبیات فارسی در تنگادش، ص ۱۹۲.

^۲ حبیب الرحمن، ثلاثه غساله، ص ۱۰۳.

خاکی در اواخر زندگی خویش این تفسیر را به زبان اردوی سیلس ترجمه نمود و به عنوان یک مترجم مهارت بسیاری از خود نشان داده است. این کتاب دارای صد و چهل و دو صفحه است که در سال ۱۸۸۹ میلادی در چاپخانه غوثیه منتشر شد.

چراغ ایمان معروف به فتوای سود :

این کتاب دارای بیست و چهار صفحه اس که برای بیان تحریم ربا در جامعه آن روز تألیف شده بود. خداوند متعال در قرآن فرموده اند: *أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا*. لذا برای رعایت حکم خداوند خاکی چنین کتابی را به رشته تحریر در آورد و برای تزکیه اقتصاد جامعه توجه مردم را به این کتاب جلب کرد. این کتاب در سال ۱۸۸۸ م در چاپخانه رپن (Ripon) انتشار یافت.

وفات و آرامگاه خاکی

هیچ منبعی به دست ما نرسیده است که براساس آن تاریخ وفات این شاعر توانا را تشخیص دهیم. آخرین کتابی که به وسیله خاکی نوشته شده کتاب «فوائد الکلام» می باشد که در سال ۱۸۸۵ میلادی کار تحریر آن انجام گرفت و آخرین کتابی است که در سال ۱۸۸۹ به چاپ رسید. پس بر مبنای این دو مورد می توان حدس زد که وی در آخر ده نهم یا در آخرین ده قرن نوزدهم چشم از جهان فرو بسته است. حکیم حبیب الرحمن در کتاب خود تاریخ وفات عبدالکریم خاکی را در آخرین دهه قرن نوزدهم^۱ ذکر کرده است. آرامگاه این شاعر بزرگ و توانا در شهر داکا در دایره عظیم پور^۲

منابع و مراجع

۱. کلیم سهسرامی محمد، دکتر، خدمتگزاران فارسی در بنگلادش، ریزنی فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران، داکا، ۱۹۹۹ م.

^۱ حبیب الرحمن، ثلاثه غسله، ص ۳۵۸.

^۲ محلی است که در زمان قدیم برای تعلیم و تربیت قرآن و برای تلقین عرفانی - خانقاه، مسجد و مدرسه درست کرده اند. و اطراف آنها قبرستان هم وجود دارد.

۲. ارمغان ، نامه ماهنامه ادبی تاریخ و علمی و اجتماعی، سال ششم، دوره چهل و هفت، شماره ۳ خرداد ماه ۱۳۵۷/۲۵۳۷ش، تهران.
۳. عبدالکریم، خاکی، خان بهادر، دیوان عبدالکریم خاکی، تحریر ۱۸۶۹. م نسخه خطی، کتابخانه مرکزی دانشگاه داکا، بنگلادش .
۴. عبدالکریم، خاکی ، خان بهادر ،رموزالاخلاق ، چاپخانه رحمانی، کلکته ، ۱۸۸۸. م.
۵. عبدالکریم، خاکی، خان بهادر، تنویرالقلوب، چاپخانه مظهرالعجایب، کلکته ۱۳۹۴هـ.
۶. عبد الکریم، خاکی، خان بهادر، تزکیهالقلوب، چاپخانه کانپور نظامی، لکناو، ۱۸۷۳. م.
۷. عبدالله، محمد، دکتر، ادبیات فارسی در بنگلادش، موسسه اسلامی بنگلادش ۱۹۸۳. م.
۸. عبدالکریم، خاکی، خان بهادر، فواید الکلام، چاپخانه اردوگاید ، کلکته ، ۱۸۸۷. م .
۹. عبدالکریم، خاکی، خان بهادر، جامع الرموز، چاپخانه نوول کیشورلکناو، ۱۸۷۴. م.
۱۰. خاقانی شروانی، دیوان خاقانی به تصحیح علی عبدالرسولی، شرکت چاپخانه سعادت، تهران ، ۱۳۱۶ش / ۱۹۳۷. م .